

بررسی روحیه کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین

Students examine the entrepreneurial spirit of Ramin University of Agricultural Sciences and Natural Resources

مرضیه راج‌بالا^۱، الهام طباطبائی^{۲*}، سعید محمدزاده^۳

^۱ کارشناس ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین، ^۲ کارشناس ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی

دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین، ^۳ استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین

E-mail: elham.tabatabaei65@gmail.com

* نویسنده مسئول

چکیده

در این تحقیق به بررسی ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان در دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین پرداخته شد. این بررسی مطالعه ای توصیفی - پیمایشی از نوع کاربردی است. جامعه آماری این مطالعه شامل تمامی دانشجویان سال آخر دانشکده های «مهندسی زراعی و عمران روستایی» و «علوم دامی و صنایع غذایی» و «کشاورزی» دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین به تعداد ۳۲۰ نفر بود که در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه آماری با توجه به جدول مورگان ۱۷۵ نفر تعیین گردید. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شد. روایی فنی و ظاهری پرسشنامه بر اساس نظر جمعی از استادان گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین صورت گرفت و بر حسب پیشنهادهای آنها تصحیحات لازم صورت گرفت. به منظور آزمون پایایی ابزار، تعداد ۳۰ پرسشنامه به طور تصادفی بین ۳۰ نفر از دانشجویان پیش‌آزمون شد و اعتبار آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ($\alpha = .85$) مورد تأیید قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ مورد توصیف و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داده است که میزان نیاز به موفقیت و اعتماد به نفس، تحمل ابهام، خلاقیت و استقلال‌طلبی بیشتر دانشجویان در حد بالایی بوده است. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سن پاسخگویان و معدل آنها با روحیه کارآفرینی ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. همچنین مقایسه بین روحیه کارآفرینی دانشجویان دختر و پسر نشان داده است که از نظر روحیه کارآفرینی تفاوت معنی‌داری بین این دو گروه وجود دارد. سطح تحصیلات والدین نیز توانست تفاوت معنی‌داری در روحیه کارآفرینی دانشجویان ایجاد کند. در پایان نیز پیشنهادهایی جهت بهبود وضعیت موجود ارائه شده است.

واژه های کلیدی: کارآفرینی، روحیه کارآفرینانه، نیاز به موفقیت، اعتماد به نفس، ریسک‌پذیری، کنترل درونی، تحمل ابهام، خلاقیت، استقلال طلبی

Abstract

In this study the characteristics of entrepreneurial Students were Ramin Agriculture and Natural Resources. This study is descriptive - is the type of application. Sample size was determined according to the Morgan 175. Required information was collected using a questionnaire. To test reliability, 30 questionnaires randomly between 30 students and pre test its validity using Cronbach's alpha ($\alpha = .85$) was confirmed. soft data using SPSS software version 16 cases were described and analyzed. Research results have shown that the amount required to be successful and self-confidence, tolerance of ambiguity, creativity and independence upper limit has been seeking more students. Results showed that the Pearson correlation coefficient between the average age of respondents and those with entrepreneurial spirit, there is no significant relation. Entrepreneurial spirit as well as between male and female students has shown that the entrepreneurial spirit difference between these two groups there. Parental education levels also mean differences you could make the entrepreneurial spirit of students. The proposals will also improve the situation are presented.

Key Words: innovation, creativity, innovation of education, agricultural education

مقدمه

تغییرات پرشتاب محیطی در جامعه شرایط جدیدی را برای آموزش عالی به وجود آورده است. برآیند این شرایط، لزوم توسعه قابلیت های کارآفرینی در کشور به منظور ایجاد کسب و کارهای جدید، استفاده از ظرفیت های استفاده نشده، توسعه ظرفیت های موجود و حل بحران های اجتماعی است. بدین منظور دانشگاه ها می بایست در آغاز، خود را برای ایفای نقش های جدید آماده نمایند. به عبارت دیگر رویکرد کارآفرینی دانشگاهی راهی به سوی دانشگاه کارآفرین است (یداللهی فارسی، ۱۳۸۴).

امروزه بسیاری از جوانان که در دانشگاه و مراکز علمی کشور به تحصیل مشغول‌اند امید دارند که پس از پایان تحصیل خود هر چه زودتر وارد «بازار کار» شوند. عبارت «بازار کار» عبارتی است بسیار حساس و برداشت جوانان از این

عبارت، یکی از عامل های حیاتی موثر در آینده کشور به شمار می آید. متأسفانه امروزه بازار کار در اذهان بسیاری از جوانان و دانشجویان کشور یک چند از پست های از پیش تعیین شده و به عبارتی شماری «صندلی های از پیش ساخته» تعبیر می شود که در جامعه منتظر آنان است. اما دیدگاه کارآفرینانه نسبت به پدیده اشتغال، تا حد زیادی از نارسایی های پیش روی جوانان در حال با آینده، خواهد کاست. یک چنین دیدگاهی می تواند در پوشش تحولات فرهنگی لازم برای توسعه کارآفرینی در کشور، حاصل شود (بی نام، ۱۳۸۶). از آنجایی که نیروهای متخصص مورد نیاز جامعه از برون دادهای آموزش عالی به شمار می روند، نقش آموزش عالی در توسعه کارآفرینی بسیار حیاتی و تعیین کننده خواهد بود. اگر نظام آموزش عالی نتواند خود را با این دگرگونی وفق دهد و پا به پای این دگرگونی ها حرکت نکند، کارایی و بازدهی سودمند خود را از دست خواهد داد (hayes, 1997). به طور کلی همراه با آشکار شدن نقش و تاثیر کارآفرینی بر روند اشتغال زایی و رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته، تلاش در جهت آموزش و تقویت کارآفرینی در بین دانش آموزان شادمان شدت گرفته است. در این رابطه، روپک^۱ (۲۰۰۴) به تجهیز دانش و مهارت های کارآفرینی در بین دانشجویان و دانش آموختگان در ایجاد ارزش افزوده و بهبود رفاه مردم اشاره کرده است. دانش تنها هنگامی به یک منبع بهره ور تبدیل می شود که با کارآفرینی آمیخته شود. روپک بر این باور است که تمرکز موسس های آموزش عالی و دانشگاه های کارآفرین باید روی ارتقا بخشیدن به سهم توسعه اقتصادی باشد (ropek, 2004). پس بر پایه انتظارات جدید جامعه، مأموریت دانشگاه ها ایفای نقش محوری در توسعه اقتصادی و اجتماعی است. تحقق این خواسته با دگرگونی دانشگاه سنتی که وظیفه خود را تحقیق و تدریس می دانست به دانشگاه کارآفرین امکان پذیر است. به موازات دگرگونی در مأموریت دانشگاه، عقلانیت دانشگاه نیز دگرگون شد. دگرگونی در عقلانیت دانشگاه را می توان از سه بعد هدف فعالیت، روش تأمین مالی فعالیت و ترفیع اعضای هیأت علمی می توان تحلیل کرد. پیش از این دانش یک کالای عمومی به شمار می آمد، لذا هدف تحقیقات دانشگاهی افزایش و گسترش دانش انسانی بدون توجه به کاربرد علمی بود (Etzkowitz, 1998).

یکی از کارکردهای اصلی آموزش در سطوح مختلف بویژه آموزش عالی تربیت دانش آموختگان خلاق و کارآفرین می باشد. نگاهی اجمالی به کارایی دانش آموختگان رشته های کشاورزی و توانمندی های عملی آنان برای ایجاد تحول در بخش کشاورزی کشور نشان دهنده این واقعیت ناخوشایند می باشد که آموزش عالی در رسیدن به این مهم کارایی چندانی نداشته است. اگر می خواهیم بحث کار آفرینی را در کشور جدی گرفته شود باید نظام آموزشی به این سو هدایت شود که افرادی که دانش آموخته می شوند ویژگی های کار آفرین را داشته باشند و البته خانواده هم نقش دارد، اما نقش اصلی را شاید نظام آموزشی به ویژه در مقاطع کارشناسی و بالاتر دارد. باید در بین دانش آموختگان دانشگاهها رغبت ایجاد کرد که به تفکر خلاق بپردازند. تاسیس مراکز آموزش کار آفرینی و کانون های آموزش روش زندگی در شرایط دشواری اقتصادی مانند آموزش دید مثبت و چاره جویانه، دوری از تفکر منفی، پشتکار و خلاقیت برای رفع مانع های موجود و کسب مهارت های لازم از جمله افکاری است که باید به آن توجه شود (بی نام، ۱۳۸۹).

دریسن و زویرت^۲ (۱۹۹۷) بر این باورند که مهم ترین عامل مؤثر در کارآفرینی فرد، شخصیت فرد کارآفرین است. یعنی اینکه چقدر به خودش و موفقیت شغل خود باور دارد. یا هنگامی که شکست ها یکی پس از دیگری پیش می آیند،

1. Ropek
1. Driessen&Zwert

چگونه مصمم می ماند که در آینده پیشگام شود و چگونه فرد کارآفرین در تغییر تهدیدها به فرصت های شغلی مصمم می ماند، از جمله مواردی می باشد که به ویژگی های فرد کارآفرین بستگی دارد.

ریسال^۲ (۱۹۹۲) نیز در پژوهشی، خلاقیت و نوآوری را مؤثرترین ویژگی در انجام فعالیت های کارآفرینانه عنوان کرده است. ترن بال و همکاران** (۲۰۰۱) انگیزه اصلی دانشجویان و دانش آموزان را در زمینه کارآفرینانه در انگلیس را مواردی مانند فرصتی برای خطر پذیری، آزادی، سودآوری اقتصادی، امنیت شغلی و کنترل بر زندگی خود می داند. خدمتی (۱۳۸۰) در پژوهشی به بررسی زمینه بروز و پرورش ویژگی های کارآفرینی در بین دانشجویان دبیرستان های پسرانه کرج پرداخته است که انگیزه پیشرفت، استقلال طلبی، خطرپذیری و کنترل درونی دانش آموزان از میانگین بالاتر بوده است.

مشایخ (۱۳۸۳) به این نتیجه رسید که بین سطح سواد پدر و مادر و روحیه کارآفرینی، همچنین بین شغل پدر و مادر و روحیه کارآفرینی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و تفاوت معنی داری بین روحیه کارآفرینی دانشجویان رشته های مختلف وجود دارد.

پاستیگو^۳ (۲۰۰۲) با بررسی و ارزیابی وضعیت موجود آموزش کارآفرینی دانشجویان آرژانتینی نتیجه گرفته است که از نظر دانشجویان مهم ترین دوره ها برای کارآفرینی دوره های آموزش خلاقیت و نوآوری می باشد. شریف زاده و زمانی (۱۳۸۷) در پژوهشی، روحیه کارآفرینی در دانشجویان کشاورزی دانشگاه شیراز را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که بین دانشجویان سال دوم و سال چهارم و دانشجویان پسر و دختر از نظر سطح روحیه کارآفرینی تفاوت معنی داری وجود ندارد.

عزیزی (۱۳۸۳) در پژوهشی به بررسی زمینه های پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی پرداخته است و نتیجه گرفته است که بین متغیرهای کنترل درونی، انگیزه پیشرفت، استقلال طلبی، خطر پذیری و خلاقیت دانشجویان با کارآفرین بودن آنان رابطه معنی داری وجود دارد. با توجه به موارد یادشده، بررسی روحیه کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین به عنوان هدف کلی این بررسی در نظر گرفته شد.

روش شناسی تحقیق

این بررسی مطالعه ای توصیفی- پیمایشی از نوع کاربردی است که در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ انجام گرفته است.

جامعه آماری این بررسی شامل همه ی دانشجویان سال آخر دانشکده های «مهندسی زراعی و عمران روستایی» و «علوم دامی و صنایع غذایی» و «کشاورزی» دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین به شمار ۳۲۰ نفر بود که در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه آماری با توجه به جدول مورگان ۱۷۵ نفر تعیین شد.

2. Rissal
3. Turnbull et al
4. Postigo

ابزار بررسی و روش جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای است مشتمل بر دو بخش: بخش اول شامل پرسش‌های مرتبط با ویژگی‌های فردی (جنس، سن، رشته تحصیلی، ترم تحصیلی، وضعیت تأهل، عضویت در تشکل‌ها و کانون‌های دانشجویی، سطح تحصیلات و وضعیت شغلی پدر و مادر و...) و بخش دوم شامل ۴۵ پرسش که به روش پنج درجه ای لیکرت (از بسیار مخالفم تا بسیار موافقم) طراحی شد.

روایی فنی و ظاهری پرسشنامه بر پایه نظر جمعی از استادان گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین صورت گرفت و بر حسب پیشنهادهای آن اصلاح‌های لازم صورت گرفت. به منظور آزمون پایایی ابزار، ۳۰ پرسشنامه به طور تصادفی بین ۳۰ نفر از دانشجویان پیش‌آزمون شد و اعتبار آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ($\alpha = .85$) مورد تأیید قرار گرفت. پس از جمع آوری پرسشنامه‌های تکمیل شده، برای استخراج داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS 16 استفاده شد. شمار پرسشنامه‌های پخش شده ۱۸۰ عدد بود که ۵ پرسشنامه به دلیل نواقص اطلاعات و یا مخدوش بودن پاسخ برخی پرسش‌ها حذف شد و در نهایت ۱۷۵ پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. برای توصیف داده‌ها از آمارهای توصیفی و برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های همبستگی و تفاوت میانگین f و t استفاده شد.

نتایج، بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از پژوهش در دو بخش توصیفی و تحلیلی به شرح زیر می‌باشد:

الف) نتایج توصیفی

۵۴/۹٪ از دانشجویانی که پرسشنامه را پاسخ داده‌اند دختر و ۴۵/۱٪ دیگر را پسر تشکیل می‌دهد. سن میانگین دانشجویان ۲۲ سال (کمینه ۲۱ سال و بیشینه ۲۷ سال) بوده است. همچنین ۹۳/۱٪ پاسخگویان مجرد و ۶/۹٪ متأهل می‌باشند. ۲۱/۱٪ پاسخگویان در رشته زراعت، ۱۰/۹٪ در رشته باغبانی، ۹/۷٪ در رشته گیاهپزشکی، ۱۱/۴٪ در رشته خاکشناسی، ۹/۷٪ در رشته صنایع غذایی، ۹/۱٪ در رشته علوم دامی، ۱۰/۳٪ در رشته ترویج و آموزش کشاورزی، ۹/۱٪ در رشته اقتصاد و ۸/۶٪ در رشته مکانیزاسیون مشغول به تحصیل هستند. ۳۷/۱٪ پاسخگویان در کانون‌های و تشکل‌های دانشجویی عضویت داشته و ۵۳/۱٪ آنان دست کم یکی از دوره‌های آموزشی کارآفرینی را گذرانده کرده‌اند که از این میان تنها ۳۲٪ پاسخگویان این دوره‌ها را موثر و سودمند ارزیابی کردند. در زمینه وضعیت شغلی والدین پاسخگویان ۶۲/۳٪ پاسخگویان اظهار داشتند که شغل پدر ایشان مرتبط با حرفه آنان می‌باشد و ۹۳/۱٪ آنان نیز مادران غیر شاغل داشتند که در این میان ۷۳/۲٪ از پاسخگویان سطح تحصیلات پدرانشان دیپلم و زیر دیپلم و ۳۶/۹٪ آنان دارای تحصیلات عالی می‌باشند و همچنین ۸۶/۹٪ از مادران دارای سطح تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم می‌باشند. جدول شماره یک توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به ویژگی‌های فردی و تحصیلی دانشجویان نشان داده شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی گویه های مربوط به ویژگیهای فردی و تحصیلی دانشجویان

متغیر	گروهها	فراوانی	درصد	نما
جنسیت	زن	۹۶	۵۴/۹	زن
	مرد	۷۹	۴۵/۱	
وضعیت تأهل	مجرد	۱۶۳	۹۳/۱	مجرد
	متأهل	۱۲	۶/۹	
رشته تحصیلی	زراعت	۳۷	۲۱/۱	زراعت
	باغبانی	۱۹	۱۰/۹	
	گیاهپزشکی	۱۷	۹/۷	
	خاکشناسی	۲۰	۱۱/۴	
	صنایع غذایی	۱۷	۹/۷	
	علوم دامی	۱۶	۹/۱	
	ترویج	۱۸	۱۰/۳	
	اقتصاد	۱۶	۹/۱	
	مکانیزاسیون	۱۵	۸/۶	
	عضویت در تشکلهای دانشجویی	بلی	۶۵	۳۷/۱
خیر		۱۱۰	۶۲/۹	
گذراندن دست کم یکی از دوره های آموزش کارآفرینی	بلی	۹۳	۵۳/۱	بلی
	خیر	۸۲	۴۶/۹	
موثر و سودمند بودن دوره های گذرانده شده	بلی	۵۶	۳۲/۰	خیر
	خیر	۱۱۹	۶۸/۰	
وضعیت شغلی پدر	غیر شاغل	۷	۴/۰	کار مرتبط با حرفه
	کار مرتبط با حرفه	۱۰۹	۶۲/۳	
	کار غیر مرتبط با حرفه	۵۹	۳۳/۷	
وضعیت شغلی مادر	غیر شاغل	۱۶۳	۹۳/۱	غیر شاغل
	کار مرتبط با حرفه	۷	۴/۰	
	کار غیر مرتبط با حرفه	۵	۲/۹	
سطح تحصیلات پدر	بی سواد	۱۵	۸/۶	ابتدایی
	ابتدایی	۴۸	۲۷/۴	
	سیکل	۳۲	۱۸/۳	
	دیپلم	۳۳	۱۸/۹	
	کاردانی	۱۹	۱۰/۹	
	کارشناسی و بالاتر	۲۸	۱۶	

ابتدایی	۱۸/۹	۳۳	بی سواد	سطح تحصیلات مادر
	۳۰/۳	۵۳	ابتدایی	
	۱۵/۴	۲۷	سیکل	
	۲۲/۳	۳۹	دیپلم	
	۹/۷	۱۷	کاردانی	
	۳/۴	۶	کارشناسی و بالاتر	

در این پژوهش به منظور بررسی روحیه کارآفرینانه دانشجویان، هر کدام از ویژگی‌های نیاز به موفقیت، اعتماد به نفس، خطرپذیری، کنترل درونی، تحمل ابهام، خلاقیت و استقلال‌طلبی توسط شماری گویه با استفاده از طیف لیکرت (بسیار مخالف تا بسیار موافق) مورد سنجش قرار گرفتند.

حال برای امتیازدهی به روحیه کارآفرینی دانشجویان طیف پنج درجه‌ای یادشده را به طیف چهار درجه‌ای (ضعیف تا عالی) تغییر داده شد که در جدول شماره ۲ توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به ویژگی‌های کارآفرینانه پاسخگویان نشان داده شده است.

جدول ۲: وضعیت ویژگی‌های کارآفرینانه پاسخ‌گویان

متغیر	شمار افراد و درصد پاسخ‌ها			
	عالی	خوب	متوسط	ضعیف
نیاز به موفقیت	۲۶ (۱۴/۹)	۹۸ (۵۶/۰)	۲۵ (۱۴/۳)	۲۶ (۱۴/۹)
اعتماد به نفس	۲۳ (۱۳/۱)	۸۴ (۴۸/۰)	۴۹ (۲۸/۰)	۱۸ (۱۰/۳)
خطرپذیری	۳۰ (۱۷/۱)	۴۴ (۲۵/۱)	۶۵ (۳۷/۱)	۳۵ (۲۰/۰)
کنترل درونی	۴۰ (۲۲/۹)	۳۱ (۱۷/۷)	۷۲ (۴۱/۱)	۳۱ (۱۷/۷)
تحمل ابهام	۱۷ (۹/۷)	۸۸ (۵۰/۳)	۳۳ (۱۸/۹)	۳۷ (۲۱/۱)
خلاقیت	۱۷ (۹/۷)	۶۵ (۳۷/۱)	۵۸ (۳۳/۱)	۳۵ (۲۰/۰)
استقلال‌طلبی	۳۷ (۲۱/۱)	۵۲ (۲۹/۷)	۴۸ (۲۷/۴)	۳۸ (۲۱/۷)

بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده در رابطه با روحیه کارآفرینانه دانشجویان، می‌توان اظهار داشت که ۹/۱٪ دارای روحیه کارآفرینی ضعیف، ۴۱/۱٪ دارای روحیه کارآفرینی متوسط، ۳۲٪ دارای روحیه کارآفرینی خوب و ۱۶٪ دارای روحیه

کارآفرینی عالی می‌باشند. همان‌طور که دیده می‌شود بیشتر دانشجویان (۴۱/۱٪) دارای روحیه کارآفرینی متوسط هستند. در جدول ۳ توزیع فراوانی مربوط به روحیه کارآفرینی نشان داده شده است.

جدول ۳: توزیع فراوانی مربوط به روحیه کارآفرینی

متغیر	فراوانی	درصد	نما
روحیه کارآفرینی	ضعیف	۱۶	۹/۱
	متوسط	۷۲	۴۱/۱
	خوب	۵۶	۳۲/۰
	عالی	۲۸	۱۶/۰

ب) آمار تحلیلی

نتایج ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۴ نشان می‌دهد که بین سن پاسخگویان و معدل آنان با روحیه کارآفرینی ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. بدین معنی که سن و معدل پاسخگویان روحیه کارآفرینی آنها تأثیر ندارد.

جدول ۴: رابطه بین روحیه کارآفرینی با ویژگی‌های فردی جامعه مورد بررسی (ضریب همبستگی پیرسون)

متغیر مستقل	مقیاس	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
سن	نسبی	۰/۱۱۵	۰/۱۳۳
معدل	نسبی	۰/۰۷۲	۰/۳۴۵

نتایج به دست آمده از آزمون t مستقل که در جدول ۵ دیده می‌شود، نشان داد که بین روحیه کارآفرینی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ وجود دارد. مجرد و متأهل بودن و همچنین عضویت و عضویت نداشتن دانشجویان در کانون‌ها و تشکل‌های دانشجویی در روحیه کارآفرینی دانشجویان تفاوت آماری معنی‌داری ایجاد نکرده است. همچنین گذراندن دوره‌های آموزشی کارآفرینی در ایجاد روحیه کارآفرینانه در دانشجویان تفاوت آماری معنی‌داری ایجاد نکرده است.

جدول ۵: تفاوت بین روحیه کارآفرینانه دانشجویان بر پایه ویژگی‌های فردی جامعه مورد بررسی (آزمون t مستقل)

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	آماره t	سطح معنی‌داری
جنسیت	زن	۳/۷۱	۰/۴۰۴	۰/۷۶۶	۰/۰۱۴*
	مرد	۳/۶۶	۰/۳۱۸		
وضعیت تأهل	مجرد	۳/۶۹	۰/۳۷۶	۰/۱۱۴	۰/۵۳۴
	متأهل	۳/۷۰	۰/۲۶۱		
عضویت در کانون‌ها و تشکل‌های دانشجویی	بلی	۳/۶۷	۰/۴۰۴	۰/۵۵۲	۰/۲۲۳
	خیر	۳/۷۰	۰/۳۴۷		
گذراندن دوره‌های آموزشی کارآفرینی	بلی	۳/۶۴	۰/۳۷۸	۱/۷۷۵	۰/۵۹۴
	خیر	۳/۷۴	۰/۳۵۲		

نتایج به دست آمده از آزمون f که در جدول ۶ دیده می شود، نشان داد که بین روحیه کارآفرینی دانشجویان رشته های مختلف تفاوت آماری معنی داری دیده نشد و همچنین وضعیت شغلی والدین دانشجویان نیز نتوانست در ایجاد روحیه کارآفرینی در دانشجویان تفاوت آماری معنی داری ایجاد کند. اما سطح تحصیلات والدین توانست در سطح ۰/۰۵ تفاوت معنی داری در روحیه کارآفرینی دانشجویان ایجاد کند که پس از محاسبه آزمون LSD و مقایسه میانگین درون گروهی، نتایج به دست آمده از تفاوت میانگین گروه ها قابل مشاهده است.

جدول ۶: تفاوت بین روحیه کارآفرینانه دانشجویان بر پایه ویژگی های فردی جامعه مورد بررسی (آزمون f)

متغیر	گروه ها	میانگین	انحراف معیار	آماره f	سطح معنی داری
رشته تحصیلی	زراعت	۳/۷۱	۰/۲۵۶	۱/۱۶۵	۰/۳۲۳
	باغبانی	۳/۷۶	۰/۳۵۱		
	گیاهپزشکی	۳/۸۱	۰/۵۰۴		
	خاکشناسی	۳/۴۹	۰/۴۴۸		
	صنایع غذایی	۳/۷۰	۰/۳۴۵		
	علوم دامی	۳/۶۲	۰/۲۵۵		
	ترویج	۳/۶۹	۰/۳۹۵		
	اقتصاد	۳/۷۴	۰/۳۵۲		
	مکانیزاسیون	۳/۶۸	۰/۴۱۴		
وضعیت شغلی پدر	غیر شاغل	۳/۶۱	۰/۲۶۱	۱/۸۱۵	۰/۱۶۶
	کار مرتبط با حرفه	۳/۶۵	۰/۳۹۷		
	کار غیر مرتبط با حرفه	۳/۷۶	۰/۳۱۴		
وضعیت شغلی مادر	غیر شاغل	۳/۶۹	۰/۳۶۹	۰/۰۸۵	۰/۹۱۸
	کار مرتبط با حرفه	۳/۶۹	۰/۲۴۰		
	کار غیر مرتبط با حرفه	۳/۷۶	۰/۵۴۵		
سطح تحصیلات پدر	بی سواد	a ۳/۷۱	۰/۲۷۰	۲/۲۷۱	۰/۰۵*
	ابتدایی	a ۳/۸۰	۰/۳۰۸		
	سیکل	ba ۳/۶۰	۰/۴۴۰		
	دیپلم	ba ۳/۶۲	۰/۴۷۵		
	کاردانی	ba ۳/۵۵	۰/۲۵۹		
	کارشناسی و بالاتر	a ۳/۷۶	۰/۲۹۱		
سطح تحصیلات مادر	بی سواد	a ۳/۸۶	۰/۲۷۷	۲/۷۱۶	۰/۰۲۲*
	ابتدایی	ba ۳/۶۵	۰/۳۹۳		
	سیکل	a ۳/۷۰	۰/۵۴۴		
	دیپلم	ba ۳/۶۳	۰/۲۹۴		
	کاردانی	ba ۳/۵۳	۰/۱۲۳		
	کارشناسی و بالاتر	a ۳/۸۴			

نتیجه گیری کلی

بر پایه یافته‌های پژوهش، در کل میزان نیاز به موفقیت و اعتماد به نفس بیشتر دانشجویان در سطح مطلوبی بوده است. این در حالی است که نظری‌های روانشناسی از جمله تئوری مک کلند^{□□} (۱۹۷۱) نتیجه می‌گیرند که کارآفرینان نیاز شدیدی به توفیق-طلبی دارند. همچنین بر پایه داده‌های گردآوری‌شده روحیه خطرپذیری و کنترل درونی آنان نیز در حد متوسط بوده است و روحیه تحمل ابهام و خلاقیت و استقلال‌طلبی بیشتر دانشجویان در حد بالایی بوده است. این نتیجه همسو با یافته‌های خدمتی (۱۳۸۰) و زمانی و شریف‌زاده (۱۳۸۷) می‌باشد. اما، در مورد خطرپذیری دانشجویان بر خلاف نتایج پاستیگو (۲۰۰۲) و دراکر^{□□} (۱۹۸۵) بوده است چرا که وی در بررسی خود به این نتیجه دست یافت که نمره خطرپذیری دانشجویان از میزان نمره معیار پایین‌تر بوده است. بر پایه نتایج پژوهش‌های هادگتس و کاراتکو^{***} (۱۹۹۵)، فرای Fry (۱۹۹۳)، جنینگز و سیمن^{□□□} (۱۹۹۴) نیز تحمل ابهام از ویژگی‌های فرعی کارآفرینان است. نتایج تحقیق نشان داد که بین روحیه کارآفرینی دانشجویان دختر و پسر تفاوت آماری معنی‌داری وجود دارد. این در حالی است که مجرد و متأهل بودن و همچنین عضویت و عضویت نداشتن دانشجویان در کانون‌ها و تشکل‌های دانشجویی در روحیه کارآفرینی دانشجویان تفاوت آماری معنی‌داری ایجاد نکرده است. که این نتایج با یافته‌های قاسمی و همکاران (۱۳۸۷) مغایرت داشته است چرا که آنان در بررسی خود به این نتایج دست یافتند که جنسیت نتوانسته در روحیه کارآفرینی دانشجویان تفاوت آماری معنی‌داری ایجاد کند و همچنین افراد متأهل روحیه کارآفرینی بالاتری داشته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده وجود تفاوت آماری معنی‌داری بین سطح تحصیلات والدین و روحیه کارآفرینی دانشجویان می‌باشد که این نتیجه همسو با یافته‌های قاسمی و همکاران (۱۳۸۷) است.

پیشنهادها

با توجه به نتایج بدست آمده و مشخص شدن پاسخ‌ها، پیشنهادهای زیر در رابطه با یافته‌های تحقیق ارائه می‌شود:

- تشویق و ترغیب دانشجویان به شرکت در دوره‌های مرتبط با کارآفرینی به صورت غیرمستقیم و با ارائه الگوهای موفق کسب و کار
- آموزش‌های مرتبط با کسب و کار توسط استادان باتجربه که خود در ایجاد و اداره کسب و کار، خود را راه اندازی و اداره نموده‌اند، صورت گیرد.
- با توجه به اهمیت داشتن روحیه تحمل ابهام، اعتماد به نفس و توفیق‌طلبی بالا برای آغاز و ادامه یک کسب و کار کارآفرینانه، ضرورت می‌گردد که مدیران آموزشی و کارآفرینی دانشگاه، موقعیت‌های آموزشی مورد نیاز برای افزایش روحیه تحمل ابهام، اعتماد به نفس و توفیق‌طلبی را فراهم نمایند و آموزش‌های افزایش تحمل ابهام، اعتماد به نفس و توفیق‌طلبی در اولویت آموزش‌های روانشناختی کارآفرینانه دانشگاه قرار گیرد که این امر مستلزم تغییر در روش‌ها و موقعیت‌های آموزشی و نیز عزم راسخ برنامه‌ریزان آموزشی دانشگاه برای سوق دادن آموزش‌ها در جهت کارآفرینانه است.

1. Maccllelland
2. Druker
3. Hodgetts & Kuratko
4. Jennings & Seaman

- با توجه به نتایج پژوهش می‌بایستی اقدام‌هایی به منظور اصلاح و بازنگری در برنامه‌های آموزشی برای تقویت قابلیت کارآفرینی دانشجویان صورت پذیرد.
- به دلیل پایین بودن ویژگی خطرپذیری دانشجویان، آموزش جرات‌ورزی و ابراز خود برای تقویت این ویژگی ضروری است.
- وارد کردن مفاهیم کارآفرینی در برنامه درسی می‌تواند بذر ایجاد انگیزه کارآفرینی را در دانشجویان بارور کند. بنابراین ایجاد اتاق فکریا (مرکز رشد) انکوباتور و آموزش قابلیت‌های کارآفرینی در برنامه درسی توصیه می‌شود.
- با توجه به اهمیت خلاقیت و نوآوری در کارآفرینی و نظر به اینکه هسته اساسی کارآفرینی بر خلاقیت استوار است، لازم است در ارائه آموزش‌های کارآفرینانه برای دانشجویان بر آموزش مهارت‌های خلاقیت تأکید بیشتری صورت گیرد. بدیهی است این کار نیازمند دگرگونی در شیوه‌های تدریس و آموزش‌های عملی به دانشجویان است.

منابع

۱. بی نام. (۱۳۸۶). کارآفرینی در دانشگاه. قابل دسترس در سایت www.jobportal.org
۲. بی نام. (۱۳۸۶). کارآفرینی در دانشگاه. خبرگزاری فارس.
۳. خدمتی، ت. س. (۱۳۸۰). بررسی زمینه‌های آموزش و پرورش کارآفرینی در دبیرستان‌های پسرانه دولتی از دیدگاه مدیر، معلمان و دانش‌آموزان در شهرستان کرج. دانشکده روانشناسی، دانشگاه تهران.
۴. شریف‌زاده، م و زمانی، غ. (۱۳۸۷). روحیه کارآفرینی در دانشگاه کشاورزی: مطالعه موردی دانشگاه شیراز. مجله علوم کشاورزی ایران، شماره ۱.
۵. عزیز، م. (۱۳۸۳). بررسی زمینه‌های آموزش و پرورش کارآفرینی در میان در میان دانشجویان کارشناسی ارشد و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
۶. قاسمی، ج؛ اسدی، ع و حسینی‌نیا، غ. (۱۳۸۷). بررسی عوامل تأثیرگذار در ایجاد روحیه کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران. مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۰-۲، شماره ۲.
۷. کلانتری، خ. (۱۳۸۲). پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی با استفاده از نرم‌افزار SPSS. تهران: نشر شریف.
۸. مشایخ، ف. (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین سطح اجتماعی خانواده و روحیه کارآفرینی در دانشگاه شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۹. یداللهی فارسی، ج. (۱۳۸۴). نقش جدید دانشگاهها: توسعه قابلیت‌های کارآفرینی. مجموعه مقالات برگزیده و خلاصه مقالات پذیرفته‌شده دومین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور.
10. Drissen, M. P. & Zwart, P. S. (1997). The Role of the Entrepreneur in Small Business Success: The Entrepreneurship Scan.
11. Druker, P. (1985). The Disipline of Innovation. Harvard Business Review, May- June, PP. 67-72.
12. Etzkowitz, H.(1998). The Horms of Entrepreneurial Science: Congnitive Effects of the New University Industry Linkage; Research Policy, Vol.27, No.8,p.823.
13. Fry, F. (1993). Entrepreneurship- A Phanning Approach, St. Paul, Minnesota: West Publishing Company.
14. Hayes, T. (1997). The Creative Entrepreneurs Organization: Developing Innovative Products and Business. Ms. C. degree Thesis, Rirginia Polytechnic Institute and state University.
15. Hodgetts, R. M. & Karatko, D. F. (1995). Effective Small Business Management Fethed, Harcourt Brace Jovanovich, Sandiego, Fl. <http://www.geocities.com>.
16. Jennings, D. F. & Seaman, L. S. (1994). High and Levels of Organizational Adaptation: An Empirical Analysis of Strategy, Structure, and Performance. Strategic Management Journal, 15: 459-475.
17. Maccllelland, D. C. & Winter, D. G. (1971). Motivating Economic Achivement. The Free Press, Newyork.
18. Pastigo, S. (2002). Entrepreneurship Education in Argentina: Thecase of Sanandres University. In Entrepreneurship Education and Training. Malaysia.
19. Rissal, R. (1992). A Study of Characteristics of Entrepreneurs in Indonesia. Dissertation George Washington University EDD 1998 DAI- A 49/06 P. 1516 Dec.
20. Ropek, J. (2004). The Entrepreneurial University: Innovation, Academic Knowledge Creation, & Regional Development in Globalise Economic.
21. Turnbull, A.; Williams. S. Paddison, A. & Fahad, G. (2001). Entrepreneurship Education, Does it Work? In Anderson, A. R. , Jack, S. L. (Eds), Entrepreneurs and Organizational, Environment. Adm. Sci. Q, 31.

